

بلشويکها به آثار شيستها شليک مي کنند

اما گلدمن و الکساندر برکمن

ترجمه‌ی سولماز اسکندري



اما گلدمن و الکساندر برکمن

بلشویک‌ها به آنارشیست‌ها شلیک می‌کنند

ما به تازگی نامه‌ی زیر را از رفقایمان اما گلدمن و الکساندر برکمن دریافت کرده‌ایم که اکنون در استکهلم سرگردان‌اند. این نامه حقیقت آزار و شکنجه‌ی وحشتناک آنارشیست‌ها در روسیه را به ما نشان می‌دهد. ما از همه‌ی روزنامه‌های آنارشیست و سندیکالیست می‌خواهیم که این نامه را بازنشر کنند و امیدواریم رفقای این کشور ما را در پیشبرد فروش این شماره که تعداد آن را بسیار بیشتر از حد معمول چاپ کرده‌ایم یاری کنند.

رفقای عزیز،

آزار و اذیت جناح‌های انقلابی در روسیه با تغییر سیاست‌های سیاسی و اقتصادی بلشویکی کاهش نیافته بلکه برعکس تشدید و نظام‌مندتر شده است. زندان‌های روسیه، اوکراین و سبیری مملو از مردان و زنانی است - بله، در برخی موارد، کودکان خردسال به همراه مادران‌شان - که جرأت کرده‌اند عقاید متفاوتی با عقاید حزب کمونیست حاکم داشته باشند. ما آگاهانه می‌گوییم که «عقاید متفاوتی داشتند» زیرا در روسیه‌ی امروز، اصلاً لازم نیست که مخالفت خود را بیان کنید یا به کاری دست بزنید تا در معرض دستگیری قرار بگیرید. صرفِ دارا بودن نظراتی مخالف، شما را طعمه‌ای مشروع برای قدرت برتر این کشور در عمل، چکا، پلیس مخفی بلشویکی قادر مطلق، می‌کند، که اراده‌اش نه قانون را به رسمیت می‌شناسد و نه پاسخ‌گوست.

اما از میان همه‌ی جناح‌های انقلابی روسیه، این آنارشیست‌ها هستند که بی‌رحمانه‌ترین و نظام‌مندترین آزار و اذیت‌ها را متحمل شده‌اند. بلشویک‌ها سرکوب آنها را قبلاً در سال ۱۹۱۸ آغاز کرده بودند، زمانی که - در آوریل همان سال - دولت کمونیست، بدون هشدار، به باشگاه آنارشیستی مسکو حمله و با مسلسل و توپخانه، کل سازمان را «منحل کرد». این آغاز شکار آنارشیست‌ها بود، اما نامنظم بود و هرازگاهی رخ می‌داد، تقریباً تصادفی و اغلب ناهماهنگ. بنابراین، نشریات آنارشیستی گاهی مجاز و گاهی ممنوع می‌شدند. آنارشیست‌ها در جایی دستگیر و در جای دیگر آزاد شدند. گاهی در جایی کشته می‌شدند و جای دیگر از آن‌ها می‌خواستند مسئولیت‌های

بالاتری را قبول کنند. اما کنگره‌ی دهم حزب کمونیست روسیه در آوریل ۱۹۲۱ که طی آن لنین جنگی آشکار و بی‌رحمانه را نه تنها علیه آنارشویست‌ها، بلکه علیه «تمام گرایش‌های آنارشویستی خرده‌بورژوازی و آنارکوسندیکالیستی» اعلام کرد، به این وضعیت آشفته پایان داد. از اینجا و پس از آن بود که نابودی نظام‌مند، سازمان‌یافته و بی‌رحمانه‌ی آنارشویست‌ها در روسیه‌ی بلشویکی آغاز شد. در همان روز سخنرانی لنین، تعداد زیادی آنارشویست، آنارکوسندیکالیست و هواداران آنها در مسکو و پتروگراد دستگیر شدند و روز بعد، دستگیری دسته جمعی رفقای ما در سراسر کشور صورت گرفت. از آن زمان، آزار و شکنجه‌ها با خشونت هر چه بیشتر ادامه یافته و کاملاً آشکار شده است که هرچه رژیم کمونیستی بیشتر با جهان سرمایه‌داری سازش می‌کند، آزار و اذیت آنارشویست‌ها شدیدتر می‌شود. این سیاست ثابت شده‌ی دولت بلشویکی است که اقدامات وحشیانه خود علیه رفقای ما را تحت اتهام عمومی «راهزنی» پنهان می‌کند. این اتهام اکنون عملاً به تمام آنارشویست‌های دستگیر شده و حتی اغلب به هواداران ساده‌ی جنبش ما وارد می‌شود. یک روش فوق‌العاده عملی، زیرا هرکسی را می‌توان به‌طور مخفیانه توسط چکا، بدون دادگاه، محاکمه یا تحقیق اعدام کرد.

جنگ لنین علیه گرایش‌های آنارشویستی افراطی‌ترین اشکال آسیایی نابودسازی را در پیش گرفت. سپتامبر گذشته رفقای زیادی در مسکو دستگیر شدند و درسی‌ام همان ماه، *بیزوستیا* بیانیه‌ای صادر کرد که ده تن از آنارشویست‌های دستگیر شده به‌عنوان «راهزن» تیرباران شدند. هیچ‌یک از آنها محاکمه یا حتی دادگاهی نشدند و همچنین اجازه نداشتند وکیل مدافع خود را ببینند یا ملاقاتی با اقوام یا دوستانشان داشته باشند. دو تن از شناخته‌شده‌ترین آنارشویست‌های روسی در میان محکومان بودند که آرمان‌گرایی و فداکاری مادام‌العمر به آرمان بشریت آنها را به سیاه‌چال‌های تزاری، تبعید، و آزار و اذیت و رنج در کشورهای مختلف دیگر، رسانده بود. یکی از آنها **فانی بارون** بود که چند ماه قبل از زندان ریازان فرار کرده بود و دیگری **لو چورنی**، نویسنده و سخنران مشهور، که چندین سال از عمر خود را به خاطر فعالیت‌های انقلابی در زمان تزار در کاتورگا^۱ سیبری گذراند. بلشویک‌ها جرأت نداشتند بگویند که لو چورنی را

¹ *katorga*

بلشویک‌ها به آنارشیست‌ها شلیک می‌کنند

تیرباران کرده‌اند. در فهرست اعدام شدگان، او به‌عنوان «تورچانینوف» معرفی شد که – علی‌رغم اینکه نام واقعی‌اش بود – حتی برای برخی از نزدیک‌ترین دوستانش این نام ناشناخته بود.

سیاست نابودسازی ادامه دارد. چند هفته پیش دستگیری‌هایی در مسکو صورت گرفت. قربانیان این بار آنارشیست‌های یونیورسالیست بودند – گروهی که حتی بلشویک‌ها همیشه آنها را دوست خود می‌دانستند. در میان دستگیر شدگان اسکاروف، شاپیرو و استیتزنکو، اعضای دبیرخانه‌ی بخش یونیورسالیست مسکو هستند که در سراسر روسیه شناخته شده هستند. این دستگیری‌ها، هر چند جنجالی بود، در ابتدا توسط رفقای ما ناشی از اقدام غیرقانونی برخی از مأموران بیش از حد متعصب چکا تلقی شد. اما اطلاعات دریافت شده توسط رفقای یونیورسالیست ما نشان می‌دهد که آنها رسماً متهم به جعل و راهزنی و همچنین «عضویت در گروه زیرزمینی لو چرنی^۲» هستند. کسانی که با روش‌های بلشویکی آشنا هستند، به‌خوبی می‌دانند که معنای این اتهامات چیست. منظورشان «رازسترل» است، یعنی حکم تیربارانی که بدون محاکمه یا تأخیر اجرا می‌شود.

هدف اهریمنی این دستگیری‌ها و محاکمات باورنکردنی است. بلشویک‌ها با متهم کردن آسکاروف، شاپیرو، استیتزنکو و دیگران به عضویت در «گروه زیرزمینی لو چرنی» به دنبال توجیه قتل نفرت‌انگیز **لو چرنی، فانی بارون** و سایر رفقای هستند که در سپتامبر اعدام شدند. و از سوی دیگر بهانه‌ای مناسب برای شلیک به دیگر آنارشیست‌ها ایجاد می‌کنند. ما می‌توانیم به خوانندگان، به‌طور رسمی و بدون شک، اطمینان خاطر دهیم که اصلاً «گروه زیرزمینی لو چرنی» وجود ندارد. ادعای خلاف این، دروغی شنیع

کاتورگا به بخشی از سیستم کیفری امپراتوری روسیه، در قالب اردوگاه‌های کار اطلاق می‌شود. این سیستم پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ حفظ شد و توسعه یافت.

2 Lev Tchorny

شاعر و انقلابی آنارشیست روس که پیش از انقلاب اکتبر در زندان تزار بود و در سال ۱۹۲۱ توسط چکا دستگیر و بدون محاکمه اعدام شد

است؛ دروغی شبیه به دروغ‌های بسیاری که بلشویک‌ها بدون مدرک علیه آنارشیست‌ها منتشر کردند.

زمان آن فرا رسیده است که جنبش کارگری انقلابی جهانی ماهیت خون‌ریزی و قتل رژیم بلشویکی در برابر همه‌ی عقاید متفاوت سیاسی را دریابند. و برای آنارشیست‌ها و به ویژه آنارکوسندیکالیست‌ها ضروری است که فوراً برای پایان دادن به این‌گونه وحشیگری و نجات رفقای ما که در زندان مسکو تهدید به مرگ شده‌اند، راه نجاتی بیابند. برخی از آنارشیست‌های دستگیر شده خود را برای شروع اعتصاب غذا تا زمان مرگ آماده می‌کنند، این تنها وسیله‌ی اعتراض آنها علیه تلاش بلشویک‌ها برای خدشه‌دار کردن خاطره‌ی **لو چورنی** است که ناجوانمردانه او را به قتل رساندند. آنها خواهان حمایت معنوی گسترده از رفقای خود هستند. آنها حق دارند این را مطالبه کنند و حتی بیشتر از آن. فداکاری عالی آنها، فداکاری مادام‌العمر آنها به هدف بزرگ، سرسختی بی‌دریغ آنها، همه این‌ها به آنها این حق را می‌دهد که چنین کنند. رفقا، دوستان در همه جا! این شما هستید که انتقام خاطره‌ی لو چورنی را بگیرید و در عین حال جان گران‌بهای آسکاروف، شاپیرو، استیتزنکو و دیگران را نجات دهید. معطل نکنید و گرنه خیلی دیر می‌شود. از دولت بلشویکی بخواهید به اصطلاح اسنادی را که ادعا می‌کند در مورد لو چورنی دارد، که «آسکاروف و غیره را به‌عنوان عضو گروه راهزنان و جاعلان گروه زیرزمینی لو چورنی نشان می‌دهد» رو کنند. چنین اسنادی وجود ندارند، مگر اینکه جعلی باشند. بلشویک‌ها را به چالش بکشید تا این مدارک را ارائه کنند و صدای هر انسان انقلابی و صادقی را در اعتراضی جهانی علیه ترورهای مستمر نظام بلشویکی علیه مخالفان سیاسی‌اش بلند کنید. عجله کنید، زیرا خون رفقای ما در روسیه جاری است.

امضا شده: الکساندر برکمن، اما گلدمن

استکهلم، ۷ ژانویه ۱۹۲۲

آزادی ۳۶، شماره ۳۹۱ (ژانویه ۱۹۲۲)

پیوند با متن انگلیسی نامه:

<https://theanarchistlibrary.org/library/emma-goldman-alexander-berkman-bolsheviks-shooting-anarchists>